



الگوی توسعه کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا

مجتبی مفودی

چکیده

این مقاله ضمن ارائه تعریفهای توسعه و ابعاد آن به عوامل شتابزا در میان الگوهای مختلف توسعه می‌پردازد و در میان متغیرهای متعدد توسعه به اهمیت نقش فرهنگ در این مقوله نیز اشاره می‌گردد. سپس برای نمونه بطور اجمال نقش پروتستانیزم در اروپا و همچنین به شکل مفصلتری، عملکرد فرهنگ کنفوسیوسی را در توسعه شتابان اقتصادی ملل شرق آسیا بررسی می‌کند و این نتیجه کلی را ارائه خواهد داد که چنانچه عناصر انسانی و عوامل فرهنگی شکل‌دهنده خلق و خوی اجتماعی، عامل مسلط در توسعه نباشد، بطور قطع از جمله عوامل مهم و عمده‌ای است که هر تحقیقی در باره توسعه، بدون عنایت به آن ناقص بوده، چه بسا به نتیجه صحیحی نخواهد رسید.

مقدمه

موفقیت و یا شکست هر استراتژی توسعه به مجموعه عوامل و عناصر و فرایندی وابسته است که در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی قابل تأمل و ارزیابی است. در این ارزیابی، شناسایی دقیق و ظریف عوامل موجود در هر یک از این سطوح به درک بهتر و عینی‌تر از فرایند توسعه کمک می‌کند.

در "سطح ملی" نقش دولتها، کارآمدی و سلامت دستگاه اداری، چگونگی مدیریت، اتخاذ الگوی مناسب، برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده، سیاستهای جامع و همه‌جانبه، فرهنگ ملی، سنتها و باورهای دینی و قومی، روحیه همبستگی جمعی، هنجارها، نگرش جمعی نسبت به حاکمیت و منافع ملی و... قابل دقت نظر است.

در "سطح منطقه‌ای" اوضاع حاکم بر کشورهای منطقه، خطرها، گرایشها و منافع مشترک، نقش و تمایل قدرتهای منطقه‌ای، امکانات، نیازها و راهبردهای منطقه‌ای را می‌توان برشمرد.

در "صحنه بین‌المللی" وضعیت مساعد یا نامساعد جهانی، سرمایه‌گذارها و کمک خارجی، نقش قدرتهای جهانی به عنوان عوامل اثرگذار در این روند عمل می‌کند.

بی‌شک، الگوی توسعه کشورهای تازه صنعتی آسیای شرقی و همچنین ایران نیز از این عوامل و فرایند به دور نبوده، بلکه در چارچوب آن قابل بررسی است. اگر مجموعه این عناصر در کنار هم و در تعامل با یکدیگر اوضاعی را فراهم آوردند که موجب توسعه شتابان در چهار کشور تازه صنعتی شرق آسیا شد، نبودن بسیاری از عناصر و حلقه‌های این زنجیر به هم پیوسته در ایران زمینه‌هایی را پدید می‌آورد که در بستر آن کاربست مدل‌های توسعه چهار کشور تازه صنعتی شرق آسیا را با مشکلات گوناگونی روبرو می‌سازد.

در این پژوهش به دلایل مختلف در پی آن نیستیم تا مجموعه عناصر و عوامل اثرگذار را در این فرایند بررسی کنیم زیرا هر یک از عنوانهای مذکور به نوبه خود موضوع پژوهشی جداگانه است، لذا در این گزارش تنها به بررسی نقش فرهنگ با تأکید بر آیین کنفوسیوسی در موفقیت کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا بسنده می‌کنیم.

مفروضات پژوهش

تعرفی از توسعه و ابعاد آن

اگر بپذیریم که توسعه، صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست و ابعاد دیگری را نیز در درون خود دارد، بی‌تردید، باید با "مایکل تودارو" و "دکتر مصطفی ازکیا" هم‌آوا شویم که توسعه، جریانی چند بعدی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) است که در حرکت پیشرونده خویش، کاهش فقر، بیکاری، نابرابری و صنعتی شدن هرچه بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری را در پی دارد.^۱

عملکردهای اقتصادی - اجتماعی کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا

در راستای تعریفی که از توسعه ارائه شد، مشخصاً کشورهایی که تحت عنوان "کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا"^۲ یا "چهار ببر"^۳ شهرت یافته‌اند، کشورهای کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و هنگ‌کنگ هستند که رشد سریع اقتصادی را در چند دهه اخیر تجربه کرده‌اند.^۴

در واقع، عملکرد اقتصادی - اجتماعی این چهار کشور تازه صنعتی شرق آسیا موسوم به "اژدهاهای کوچک"، طیف وسیعی از حوزه‌ها را شامل شده است. این کشورها با نرخ معادل ۶ تا ۹ درصد در زمره رشد یابنده‌ترین کشورها در سطح جهان هستند. شبکه ارتباطات و شهرنشینی از رشد محسوسی برخوردار بوده، و فرایند توزیع نیروی کار در بخشهای سه‌گانه کشاورزی، صنعت و خدمات‌گرایی مؤثری به سمت تعادل و توازن داشته است؛ ضمن اینکه در سالهای اخیر، کالاهای ساخته شده در این کشورها به لحاظ کیفیت حتی با کالاهای ژاپنی قابل رقابت است. گرایش به سوی توزیع متعادلتر درآمدها، رشد صادرات کارخانه‌ای بویژه در زمینه کالاهای ساخته شده و کاهش بدهیهای خارجی به نسبت دهه ۸۰ و نیز توسعه انسانی و اجتماعی با توجه به عواملی همچون امید به زندگی، کاهش مرگ و میر، نرخ باسوادی، تعداد پزشک و تخت

بیمارستانی از روند مساعد و مناسبی برخوردار است که همه و همه از موفقیت نسبی ابعاد مختلف توسعه در این کشورها حکایت دارد.^۵

اما نقطه ضعف کاربرد این تعریف و تعاریفی از این دست را در مورد کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا NICs، که توسعه را جریانی چند بُعدی می‌داند، باید در چگونگی مشارکت مردم در امور سیاسی جستجو کرد که بی‌شک، چنین مشارکتی هنوز جینی باقی مانده است. در این ارتباط نهادهای مشارکتی همچون احزاب، سندیکاهای نظام پارلمانی، مطبوعات و رسانه‌های گروهی آزاد و اجتماعات، تحولی همپای رشد اقتصادی را تجربه نکرده‌اند.

گرچه، در مقابل دیدگاه فوق، برخی با طرح مفهوم "تسلسل الگو"^۶ بر این باورند که این کشورها، در نهایت امر به باز نمودن فضای باز سیاسی اقدام کرده‌اند؛ بدین ترتیب، بر طبق تسلسل الگو، این کشورها در آغاز به برقراری امنیت، همت گماشتند، سپس پیشبرد فزاینده رشد را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده، هنگامی که هر دو حاصل گردید به باز کردن فضای باز سیاسی دست یازیدند؛^۷ به عبارت دیگر، این گروه از اواسط دهه ۸۰ تصویری از "دمکراسی هدایت شده"^۸ با نقش مسلط آمریکا ارائه داده که در عین حال متأثر از دو عامل یعنی اثر "دومینو"، و پیامد طبیعی توسعه قلمداد گردیده است.^۹ برای پرهیز از بحثهای احتمالی ترجیح داده‌ایم تعریفی از "هیگر" را به عنوان مبنای ارزیابی میزان توسعه در کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا قرار دهیم. "هیگر" چهار ملاک یعنی میزان سواد، اقتصاد پولی، شبکه ارتباطات و شهرنشینی را مبنای توسعه ارزیابی کرده است.^{۱۰}

لذا با توجه به آمار و ارقام پیش گفته و به استناد منابع گوناگون دیگر، بدون شک این چهار کشور در ارتباط با ملاکهای مطرح شده توسط "هیگر" با جهشهای عظیمی روبرو بوده‌اند.^{۱۱}

برینگتون مور و الگوهای توسعه

الگوی توسعه کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا

اگر بخواهیم شیوه توسعه و نوسازی کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا را تبیین و

ارزیابی کنیم، بهترین الگو در تشریح فرایند توسعه، نظریه "برینگتون مور" است که به شیوه‌ای ظریف در کتاب "ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی"^{۱۲} تشریح گردیده است.

برینگتون مور نظریات خود را با طرح یک پرسش آغاز می‌کند. او می‌پرسد چرا انگلستان تحت تأثیر فرایند تحول صنعتی به جامعه آزاد با چارچوبهای دموکراتیک تبدیل شد، حال آنکه بسیاری از کشورها این روند را به گونه‌ای دیگر طی کردند. در پاسخ به این سؤال، مور، کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان، ژاپن، هند و چین را به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار داد. وی به این نتیجه دست یافت که کشورهایی که از طریق انقلاب بورژوازی، فرایند صنعتی شدن را پیگیری کرده‌اند به دموکراسی دست یافته و کشورهای انگلستان و فرانسه در این زمره هستند. انقلابهای محافظه کارانه روستایی (از طریق ائتلاف طبقات حاکمه با فئودالها) به فاشیسم هدایت گردید. آلمان و ژاپن در این دسته جای دارند و سرانجام، انقلابهای روستایی همچون چین و روسیه به کمونیسم منجر گردید.

مطالعات مور تلفیقی از سنتهای مارکس و ماکس وبر بود. مشخصاً به باور وی دگرگونی ساختاری الگوی سیاسی از سه سر فصل زیر بیرون نیست:

۱) انقلاب بورژوازی به دموکراسی غربی منتهی می‌شود.

۲) انقلاب محافظه کارانه به فاشیسم ختم می‌شود.

۳) انقلاب روستایی ما را به کمونیسم هدایت می‌کند.^{۱۳}

بر اساس دلایل و عوامل گوناگونی، الگوی توسعه کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا از نوع اول و سوم، یعنی انقلاب دموکراتیک و یا روستایی نبوده است. نبودن طبقه جدید با پایگاه اقتصادی مستقل از طبقه حاکمه سنتی، نبودن ائتلاف بین طبقه بورژوازی با اشراف زمیندار و وقوع منازعه میان این طبقات^{۱۴} را به عنوان موانع الگوی توسعه دموکراتیک می‌توان برشمرد. در این حال نبودن گروه‌های روشنفکری تندرو و طبقات دهقانی به عنوان منابع شورشهای خشونت‌آمیز،^{۱۵} مانع بروز هرگونه توسعه به شیوه کمونیستی بوده است.

"بطور کلی کشورهای جهان سوم در جهت اصلاحات و نوسازی و توسعه به ترکیبی از دو شیوه آخر، که در بالا به آن اشاره شد، متوسل گردیده و کشورهای آسیایی هم از این قاعده مستثنی نبوده‌اند"^{۱۶} و بطریق اولی کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا. به‌رغم وجود حلقه‌های مفقوده، کشورهای اخیر توأمأً با بهره‌گیری از الگوی انقلابی‌های محافظه‌کارانه و نیز آمیزه‌ای از فرهنگهای بومی بویژه آیین کنفوسیوسی فرایند توسعه را پیگیری نموده‌اند.

برینگتون مور ویژگیهای راه نوسازی محافظه‌کارانه یا فاشیستی را چنین بر می‌شمارد: "در این راه طبقه سرمایه‌دار تجاری و صنعتی به علت ضعف خود در درون چارچوبهای سنتی با طبقه زمیندار ائتلاف می‌کند و در نتیجه ائتلاف تغییر اجتماعی و اقتصادی ناگهانی صورت می‌گیرد، ولی در نتیجه تداوم ساختار سنتی در درون جامعه نوساخته و کوشش برای تجدید حیات آن توسط طبقات مخالف نوسازی، فاشیسم پیدا می‌شود."^{۱۷}

در این الگو، هم دولت و هم طبقه سرمایه‌دار به برداشت مازاد اقتصادی و انباشت سرمایه مبادرت می‌کنند. دولت با ایجاد صنایع نظامی و وضع سیاستهای گمرکی، مشوق مهمی برای رشد صنعت به شمار می‌رود و نقش مهمی در رام کردن نیروی کار ایفا می‌کند.^{۱۸}

با توجه به ویژگیهای بر شمرده شده توسط "مور" عوامل عمده مؤثر در کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا، که بیش از پیش الگوی محافظه‌کارانه توسعه و نوسازی را به ذهن متبادر می‌سازد، به شرح ذیل قابل طرح و بررسی است:

۱- روابط کارگری در کشورهای "دیر پیوسته به جرگه کشورهای صنعتی" سازگاری لازم را ندارد.^{۱۹} همه اقتصادهای سریعاً رشديابنده (fast growing) که به کنترل اتحادیه‌های کارگری پرداخته‌اند، اغلب اتحادیه‌های کارگری "اتحادیه‌های شرکتی" (Enterprise Unions) بودند که در یک شرکت یا صنعت خاص استقرار داشتند. فرض بر این بود که در اهداف مدیران شرکت سهیم هستند. به هر حال، اختصاصات گسترده در

حداقل نگهداشته می‌شد.^{۲۰}

۲- همکاری حکومت و تجارت به مثابه علل پویایی اقتصادی این کشورها ارزیابی می‌گردد.^{۲۱}

۳- از دهه ۱۹۶۰ حمایت از صنایع داخلی و بومی در مقابل کالاهای خارجی در سرلوحه بازرگانی خارجی این کشورها قرار داشته است.^{۲۲}

۴- در برخی از این کشورها، صنایع و ارگانهای نظامی از سازمانهای مهم برای توسعه به شمار می‌روند.^{۲۳}

۵- وجود دیکتاتوریهایی توسعه^{۲۴} (دولتهای اقتدارگرای توسعه طلب) به عنوان گروه‌های حاکمه نوساز تلقی می‌شوند.

بی‌شک، الگوی توسعه کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا آمیزه‌ای از شیوه محافظه کارانه (اصلاحات از بالا) و فرهنگ بومی بویژه آیین کنفوسیوسی است که ضمن پرداختن به این آیین، کاربرد آن را در جامعه این کشورها نیز بررسی خواهیم کرد.

فرهنگ و توسعه (دیدگاه ماکس وبر)

شاخصه‌های فرهنگ کنفوسیوسی و جایگاه آن در NICs

در میان دیدگاه‌های مختلفی که "فرهنگ" (Culture) را پیش شرط توسعه و پیشرفت ارزیابی نموده‌اند، اندیشه "ماکس وبر" از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با تکیه بر این نکته، شایان ذکر است اندیشمندانی از قبیل دیوید مک‌کله‌لند*، اورت هیگن،** دانیل لرنر*** و الکس اینکلز**** هر یک با طرح دیدگاه‌های خود به گسترش این دیدگاه (فرهنگی) از توسعه کمک نموده‌اند؛ اگرچه بعضاً زمینه‌های اجتماعی و روانی را نیز از نظر دور نداشته‌اند.^{۲۵}

ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی در کتاب معروف خود تحت عنوان "اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری" عامل صنعتی شدن و توسعه جوامع غربی را ناشی از

* - David Mc Clelland

** - Everett Hagen

*** - Daniel Lerner

**** - Alex Inkeles

اخلاق عملی فرقه‌های ریاضت‌گرای پروتستان یعنی کالونیسیم، پیتیسیم، متدیسم و باپتیسیم می‌داند که به پس‌انداز، کار خلاق و... منجر گردید.^{۲۶}

"دیوید اپتر"^{*} در اثر خود به نام "مقدمه‌ای بر تجزیه و تحلیلهای سیاست" تلاش دارد اندیشه‌های وبر را در طیف ماقبل ساختارگرایان^{**} طبقه‌بندی نماید.^{۲۷} وی اینگونه می‌نویسد:

وبر در پاسخ به این سؤال که چرا سرمایه‌داری در قرن نوزدهم ظهور یافت و چگونه اروپا مرکز این تحول بود، به "کالونیسیم" و "پیورتین‌ایسم" در ایجاد ارزشها و نورمهای مخصوص در بخشهای اقتصادی و هدایت اخلاقی انسان متوسط در جهت برنامه‌ریزی و کار سخت اشاره دارد. وی با مقایسه نظامهای سنتی چین، برهمنی هند و مقام کشیشی در اسرائیل باستان "پروتستانیتزم" را عامل عمده تحول صنعتی در اروپای غربی ارزیابی می‌کند. در این تحول صنعتی "رشد بوروکراسی" به عنوان شکل جدیدی از سازماندهی اجتماعی مورد دقت نظر قرار می‌گیرد.^{۲۸}

"وبر سعی دارد مناسبات میان حیات دینی، اجتماعی و اقتصادی را در فرهنگ معاصر تبیین کند. او نتیجه می‌گیرد که میان باورهای دینی (اخلاق پروتستان) و رشد حیات اقتصادی عقلانی بورژوازی نزدیکی سببی وجود دارد؛"^{۲۹} به عبارت دیگر آنچه موجب عقب‌ماندگی جوامع شرقی گردیده از باورهای دینی و نگرش فلسفی ناشی می‌گردد.

ملحوظ نداشتن "عامل خارجی در تبیین عقب‌ماندگی کشورهای شرق و نیز توسعه سریع کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا معروف به "ازدهاهای کوچک" در دهه‌های اخیر، از جمله موارد تأمل برانگیز در تشریح فرایند رشد سرمایه‌داری در جوامع شرقی است.

در مقابل دیدگاه وبر، که بر عامل فرهنگی تأکید دارد، نظریه پردازان "مکتب جدید ساختاری" شامل آنسدرگوندرفرانک، سمیرامین، والتررادنی، جان گالتونگ و گونارمیردال در تشریح علل توسعه سرمایه‌داری غرب و عقب‌ماندگی شرق به استعمار،

رابطه نابرابر اقتصادی مرکز پیرامون و غارت جهان سوم اشاره دارند.^{۲۰} در هر حال، جدای از دیدگاه‌های جدید ساختاری یا مکتب وابستگی، مسأله‌ای که هنوز پابرجاست و از اندیشه‌های وبر استنباط می‌شود، مترادف دانستن توسعه سرمایه‌دارانه با اخلاق پروتستانیسم است؛ حال آنکه توسعه سریع مناطق دیگر از جهان که نزدیکی چندانی با پروتستانیسم ندارند، شاهدی بر این مدعاست که ویژگی‌های اخلاقی و مذهبی جوامع دیگر نیز می‌تواند در تسهیل فرایند توسعه مؤثر بوده باشد. همچنان که اشاره شد، تعداد زیادی از کشورهای شرق آسیا از جمله چهار کشور تازه صنعتی شرق آسیا، یعنی تایوان، سنگاپور، هنگ‌کنگ و کره جنوبی، نمونه‌های خوبی از این دست به ما ارائه می‌دهد.^{۲۱}

باورهای مذهبی و نستهای دیرپا در این کشورها، بویژه "عناصر اخلاقی کنفوسیوسی" که توسط مردم عادی نیز در زندگی روزمره‌شان به کار بسته می‌شود، در تبیین پویایی اقتصادی کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا یک متغیر مهم به‌شمار می‌آید. اخلاق و ارزشهای کنفوسیوسی در خصوص کار، خانواده، اقتدار سازمانی از رایجترین موارد است. عناصر فرهنگی از قبیل اخلاق شغلی و کار بسیار نیرومند معطوف به پیشرفت، صرفه‌جویی و پس‌انداز، سختکوشی، احترام به موفقیت‌های تحصیلی، پرهیز از منازعات آشکار در مناسبات اجتماعی، وفاداری به سلسله مراتب و اقتدار، تأکید بر نظم و هماهنگی و پایبندی به آن از سوی کارگران، دهقانان، کارفرمایان اقتصادی، متصدیان خدمات عمومی و حتی سیاستگذاران تأثیر عمده‌ای بر پیشبرد برنامه‌های اقتصادی داشته است.^{۲۲}

برای آشنایی بیشتر با ویژگی‌های این فرهنگ، برخی از نظریات کنفوسیوس را برشمرده، آن را در کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا به محک آزمایش می‌زنیم:

۱- یکی از پیشنهاد‌های کنفوسیوس برای بهتر ساختن وضع کلی جامعه "سپردن کار به کاردان"^{۲۳} است. وی "برکشیدن صالحان و دورراندن بدان و تعلیم تازه‌کاران"^{۲۴} را توصیه می‌کند.

۲- آموزش و پرورش: به باور کنفوسیوس یکی از وسایل خدمت به جامعه بشری

"تعلیم و تربیت افراد" است. در این وظیفه پرورش دادن روح باید در درجه نخستین در نظر گرفته شود زیرا تنها با این اقدام می‌توان شهriاران پاکدل و با قدرت و روحانیون دانشمند حقیقی و راهنمایان بی‌ریا و نیک‌سیرتی برای جامعه بشر تربیت و آماده کرد.^{۳۵} از نظر اخلاقی، کنفوسیوس می‌گوید که آدمی پاکسرشت آفریده شده است. وی باید این نیکی ذاتی را با نور معرفت و آموزش و پرورش تکمیل کند.^{۳۶} وی اندرز می‌دهد که دانش کهن را بیاموز و دانش نو را فراگیر تا شایسته آموزگار باشی.^{۳۷}

۳- رعایت سلسله مراتب: کنفوسیوس رعایت سلسله مراتب را به عنوان اصل دوم بر می‌شمارد. وی می‌گوید: چون افراد بشر با همدیگر بسی فرق دارند، حکومت صالح تنها زمانی میسر است که سلسله مراتب در قدرت برقرار باشد. هرچه قدرت بیشتر باشد، مسئول باید داناتر و نمونه‌تر و از ویژگی مردمی برخوردارتر باشد. وی باید "پیشاپیش خلق حرکت کند و مردم راهمت و جرأت بخشد. خستگی بر او حرام است."^{۳۸}

وی می‌گوید اساس جامعه انسانی بر پنج رابطه مبتنی است:

۱- رابطه پادشاهان و فرمانروایان با رعایای خود

۲- رابطه پدر با فرزندان

۳- رابطه شوهر با زن

۴- رابطه برادران مهتر با برادران و خواهران کهنتر

۵- رابطه دوستان با یکدیگر^{۳۹}

از کنفوسیوس پرسیده شده بهترین روش حکومتداری کدام است، کنفوسیوس گفت: "بگذار شهريار حکومت کند؛ وزیر، وزارت؛ پدر، پدری و فرزند، فرزندی نماید"؛ به عبارت دیگر کسی باید حکومت کند که برای شهرياری ساخته شده است. کسی وزارت کند که برای وزارت ساخته شده است.^{۴۰}

۴- وظایف شخص در برابر بالادستان: کارمند خوب بی‌آنکه از راه راست بیرون شود به سرور خود خدمت می‌کند و اگر نتواند، از کار کناره می‌گیرد. وی پنهان از سرور کار نمی‌کند، بلکه آشکارا در برابر او می‌ایستد و از اظهار نظرهای صواب دریغ نمی‌ورزد. اگر کشور در راه راست باشد، کارمند می‌تواند بی‌پروا سخن بگوید و عمل

کند و اگر نباشد، بر اوست که جرأت نشان دهد ولی سخنان خود را با احتیاط گزین کند.^{۴۱}

۵- اهداف اساسی حکومت صالح: حکومت صالح باید دارای سه هدف اساسی باشد: «تدارکات شایسته، ارتش نیرومند، جلب اعتماد مردم. اگر لازم افتد که یکی از این سه فدا شود، آسانتر از همه ارتش را می‌توان فدا کرد، سپس تدارک خواربار را (مرگ همواره روزی آدمی بوده است) ولی اعتماد خلق را هرگز؛ اگر خلق بی‌اعتماد شود، حکومت بر آن محال می‌گردد.» چنین است ترتیبی که در اساس باید رعایت کرد. با این همه، به وقت تدوین برنامه‌های عمل، نمی‌توان از ابتدا توقع اعتماد داشت. اعتماد باید خود به خود پرورده شود. اصل اول در برنامه‌های عمل "تأمین رفاه مردم" و اصل دوم "تربیت مردم" است.^{۴۲}

۶- عقل عملی پایه فلسفه اجتماعی کنفوسیوس است. در فلسفه کنفوسیوس "عقل عملی" اخلاق را می‌سازد. در فلسفه کنفوسیوس همچون کانت، نیکبختی اجتماعی در درست به کار بردن عقل و انجام تکلیف است. بدکاری، بد به کار بردن آزادی است. در اخلاق اجتماعی کنفوسیوس، نیکبختی اجتماعی در نتیجه تربیت است. در این مفهوم می‌توان گفت که جامعه حقیقی در فلسفه اجتماعی کنفوسیوس درست به کار بردن عقل است. اخلاق کنفوسیوس بر پایه عقل و نیکوکاری و خدمت به جامعه است. عبارت "انسان دوستی" بهترین اصطلاح برای بیان تقوای اخلاق کنفوسیوس است. در این نگرش "انسان برتر" نیکوکار است و فلسفه خردمندی و نیکوکاری لازم و ملزوم یکدیگرند.^{۴۳} با ترقی کشورهای شرق آسیا، برخی از اندیشمندان، عناصری از کنفوسیوس‌گرایی همچون احترام عمیق به آموزش و پرورش،^{۴۴} نظم‌پذیری، رعایت سلسله مراتب، شایسته‌سالاری* در عرصه کسب و کار و حکومت^{۴۵}، اطاعت از اقتدار نظام حکومتی را مبنای توسعه سریع این کشورها ارزیابی نموده‌اند؛ تا جایی که "سمیر امین" نظریه پرداز افریقایی مکتب وابستگی نیز به نقش آیین کنفوسیوس در فرایند توسعه کشورهای تازه

صنعتی شرق آسیا اذعان نموده است.^{۴۶}

در مقابل این دیدگاه‌ها، منتقدانی نیز وجود دارند که نسبت به نقش و تأثیر آیین کنفوسیوس در فرایند توسعه این کشورها با شک و تردید می‌نگرند؛ به عنوان نمونه "ایدن، جی. فوستر - کارتر" این واقعیت تاریخی را خاطرنشان می‌سازد که "کنفوسیوس‌گرایی" قرن‌ها وجود داشته است، در حالی که کشورهای جدیدی که در حال صنعتی شدن هستند پدیده‌های تازه‌ای هستند. لذا تبیین پدیده دوم بر حسب عامل نخست یک اشتباه فاحش بوده، با شواهد تاریخی منطبق نیست. ممکن است او در این ادعا که "تفسیرهای مبتنی بر فرهنگ، اغلب تفسیرهای ناقص هستند" محق باشد، اما توجیهاتی که بر اساس اقتصاد صرف نیز به عمل می‌آید، چندان کاملتر از تبیین مبتنی بر فرهنگ نیستند. قدر مسلم، طرز تفکر، ارزش‌ها، مفاهیم جامعه و حکومت، روحیه کار یا اخلاق اجتماعی همگی می‌توانند نیروی مشوق و یا بر عکس عوامل کندکننده توسعه باشند؛^{۴۷} حتی در موارد محدودتر (شامل کشورهای تایوان و کره جنوبی) "اصلاحات ارضی" - و نه فرهنگ معجزه‌گر کنفوسیوسی - را به عنوان نقطه آغاز "اعجاز اقتصادی"، توسعه اجتماعی، و ثبات سیاسی تلقی کرده‌اند.^{۴۸}

جدای از انتقادات فوق، واقعیت این است که نقش انسان و عوامل فرهنگی شکل دهنده خلق و خوی و منش وی از عوامل اساسی مؤثر در هرگونه تحولی در جامعه و حتی در سطح زندگی شخصی است. بی‌شک، اگر عامل مذکور در میان مجموعه عناصر دخیل در فرایند توسعه به عنوان عامل مسلط نباشد، حداقل از جمله عوامل مهم و عمده است که هر بررسی و تحقیقی بدون لحاظ کردن آن راه به خطا خواهد برد. لذا بر این باور هستیم که آمیخته شدن اندیشه‌های کنفوسیوس در ساخت و بافت داخلی این کشورها از مهمترین عوامل اثرگذار در فرایند توسعه در این منطقه است.

یادداشتها

۱- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، چاپ پنجم (تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰) ص ۱۱۵، ۱۳۵، ۱۳۶.

- مصطفی ازکیا، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، چاپ دوم (تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹) ص ۷ و ۸.

و نیز رک به: باقر فدیری اصل، کلیات علم اقتصاد، چاپ پنجم (تهران، مرکز نشر سپهر، ۱۳۶۶) ص ۴۶۶.

2- Newly Industrialized Countries (NICs)

3- Four Tigers

4- Geir Lundestad, East, West, North, South - Major- Developments in International Politics 1945 - 1990 (Oslo: Norwegian University press, 1991) . P.295

۵- به رغم وجود انبوهی از اطلاعات و مستندات در مورد NICS از ذکر جزئیات بیشتر خودداری شده، لذا برای اطلاع بیشتر و دسترسی به آمار و ارقام دقیق در باره فرایند توسعه اقتصادی، انسانی و اجتماعی، مراجعه به منابع زیر توصیه می‌گردد:

Rex Beddls, the third world Development and Interdependence, (Hong kong:

Oxford University, 1989). P.125

The Europa world year Book, (london: Europa Publications Limited, 1993) Volume 2.

P.1683

سعید گازرانی، مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا و موانع کاربست آن در ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی (تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۷۲-۷۱) ص ۱۲۲-۹۲

جوهاک چانگ، "نقش آموزش و پرورش و کارآموزی حرفه‌ای توسعه منابع انسانی در جمهوری کره"، ترجمه [محمد هوم]، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، شماره ۸۴، ۱۰/۳۰/۱۳۶۷، ص ۲۹-۱۲.

برنامه عمران ملل متحد، "سه دهه «توسعه انسانی» و چشم انداز آن در دهه ۱۹۹۰"، ترجمه محسن اشرفی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهارم، شماره هفتم، شماره مسلسل ۳۷، مرداد و شهریور ۱۳۶۹، ص ۷۷ - ۷۰.

6- Model Sequence

۷- جفری هاتورن، "آزاد سازی و آزادی نوین چهار کشور جنوب"، ترجمه قدرت‌الله معمارزاده، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴ و ۵، شماره مسلسل ۱۴۰ و ۱۴۱، تیر و مرداد ۱۳۷۳، ص ۲۰.

۸- طرح "دمکراسی هدایت شده" Guided Democracy با توجه به محتوای متناقض آن از سوی بسیاری از منتقدان با اشکالات بسیاری روبرو شده است.

۹- سعید گازرانی، همان، ص ۱۲۱.

۱۰- جانانان لمکو، "شناخت پیچیدگیهای توسعه سیاسی و اقتصادی در جهان سوم"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی،

سال سوم، شماره اول، شماره مسلسل ۲۳، مهرماه ۱۳۶۷، ص ۸.

۱۱- به عنوان نمونه بنگرید به:

- "زمینه‌ها و عوامل جهش اقتصادی در هفت کشور شرق آسیا"، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۸۱۵،

۱۰/۲۱/۱۳۷۱، ص ۷

- «کره شمالی و کره جنوبی» یک آزمایشگاه و دو آزمایش، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۸۵۰، ۱۳۷۱/۱۲/۵، ص ۷ و شماره ۱۹۸۵۸، ۱۳۷۱/۱۲/۱۵، ص ۱۱ و شماره‌های دیگر.
- «اقتصاد، سیاست و جنگ در جنوب شرقی»، مجله گزارش، سال پنجم، شماره ۴۰، خرداد ۱۳۷۳، ص ۲۱-۱۹.
- سید اسدالله اطهری، «توسعه و پلورالیسم در کره جنوبی»، روزنامه ابرار، شماره ۱۰۵۴، ۱۳۷۱/۴/۱۰، ص ۴.
- «توسعه نابرابر در جنوب شرقی آسیا»، ضمیمه روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۸۵۷، ۱۳۷۱/۱۲/۱۳.
- «تحلیلی بر تحولات اقتصادی کشورهای نیمه صنعتی هنگ‌کنگ، سنگاپور، تایوان و کره جنوبی (آیا ازدهاهای کوچک بزرگ خواهند شد)، اطلاعات، ضمیمه اقتصادی، شماره ۱۷۱۲۸، ۱۳۶۵/۱/۳۱، ص ۶.

12- Social Origins of Dictatorship and Democracy.

13- David E.Apter, Introduction To Political - Analysis, (New Delhi: Published by prentice - Hall of India, 1981). P. 398 - 400

و نیز ر.ک. به:

- دکتر عبدالعلی قوام، توسعه سیاسی و تحول اداری (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۱) ص ۱۶ و ۱۷.
- دکتر محمود سریع‌القلم، توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل (تهران: نشر سفیر، زمستان ۱۳۶۹) ص ۱۲ و ۱۳.
- ۱۴- برینگتون مور، ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه دکتر حسین بشیریه (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹) ص چهارده از مقدمه مترجم.
- ۱۵- همان، ص پانزده از مقدمه مترجم.
- ۱۶- دکتر بهزاد شاهنده، «حکومت آمرانه و رشد سریع اقتصادی: تجربه آسیا»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ششم، شماره ۵۱ و ۵۲، آذر و دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱۴.
- ۱۷- برینگتون مور، همان، ص ۲۹.
- ۱۸- همان، ص ۳۰.
- ۱۹- مهدی ابراهیم‌نژاد رفسنجانی، «آیا کره جنوبی و چین از الگوی توسعه صنعتی ژاپن پیروی کرده‌اند؟»، روزنامه همشهری، سال اول، شماره ۲۴۸، ص ۶.
- ۲۰- ویلیام مک‌کورد، «تبیین فرایند توسعه اقتصادی در شرق آسیا»، ترجمه سعید گازرانی، فرهنگ توسعه، سال دوم، شماره ۷، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، ص ۴۳ و ۴۴.
- ۲۱- همان، ص ۴۳.

22- Geir Lundestad, OP. Cit, P.292.

۲۲- مهدی ابراهیم‌نژاد رفسنجانی، همان.

- ۲۴- فرانتس نوشلر (Franz Nuschler)، «پند گرفتن از تجربه‌ها یا تبلیغ ایدئولوژیها؟»، ترجمه محمود شهابی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال سوم، شماره ششم، شماره مسلسل ۲۸، اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۸، ص ۲۳.
- ۲۵- برای اطلاع از نظریات این اندیشمندان ر.ک. به:

- دکتر مصطفی ازکیا، همان، ص ۵۴ - ۵۱.

- سعید گازرانی، «نقش عوامل فرهنگی در توسعه اقتصادی - سیاسی کشورهای شرق آسیا»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نهم، شماره اول و دوم، شماره مسلسل ۸۶ - ۸۵، مهر و آبان ۱۳۷۳، ص ۶۴ - ۵۶ و نیز منبع بسیار ارزشمند زیر که بخش اعظم مقاله آقای گازرانی بر اساس آن تهیه شده است:

Vicky Randall and Robin Theobald, Political change and Underdevelopment - A critical Introduction to Third world Politics, (Hongkong: published by - Macmillan Education

LTD,1991). P.15 -18.

۲۶- ماکس وبر، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه دکتر عبدالمعبود انصاری (تهران، سمت، زمستان ۷۱) ص ۱۲۳ - ۸۵.

27- David E.Apter, OP.cit, P.284

28- OP.Cit, P.390 - 391

۲۹- ماکس وبر، همان، ص ۱ از مقدمه مترجم.

30- Geir Lundestad. OP.cit, P.287 - 288

- جهت اطلاع بیشتر ر.ک.به:

دکتر رحیم رحیم‌زاده اسکویی، "توسعه نیافتگی از دیدگاه توریک"، کتاب توسعه، جلد ۴، زمستان ۱۳۷۱، ص ۸۵ - ۶۷.

۳۱- زمینه‌ها و عوامل جهش اقتصادی در ۷ کشور شرق آسیا، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۸۱۵، ۲۱ دی ۱۳۷۱، ص ۷.

۳۲- سعید گازرانی، مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا و موانع کاربست آن در ایران، ص ۸۳.

۳۳- کارل یاسپرس، کنفوسیوس، ترجمه احمد سمیعی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳) ص ۳۲.

۳۴- همان، ص ۴۵.

۳۵- کنفوسیوس، منتخب مکالمات، ترجمه و تنظیم حسین کاظم‌زاده ایرانشهر (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۴) ص ۷۲.

۳۶- دکتر محمد جواد مشکور، خلاصه‌الادیان در تاریخ دینهای بزرگ (تهران: انتشارات شرق، ۱۳۵۹) ص ۳۹.

۳۷- همان، ص ۴۱.

۳۸- کارل یاسپرس، همان، ص ۴۴ و ۴۵. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳۹- دکتر محمد جواد مشکور، همان، ص ۳۹.

۴۰- دکتر فرهنگ رجایی، تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲) ص ۱۸۲ و ۱۸۳.

۴۱- همان، ص ۲۸.

۴۲- همان، ص ۲۹ و ۳۰.

۴۳- منوچهر خدایار محبی، فلسفه اروپایی و ادیان آسیایی (تهران: مؤلف، ۱۳۵۹) ص ۳۰، ۳۲، ۳۴.

۴۴- ویلیام مک کورد، همان، ص ۴۲.

۴۵- همان، ص ۴۴.

۴۶- فرانتس نوشر، همان، ص ۱۸.

۴۷- همان.

۴۸- همان، ص ۲۳.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی